این فایل فقط برای مشاهده می باشد . برای خرید فایل ورد و قابل ویرایش این گزارش تخصصی به سایت علمی و پژوهشی آسمان مراجعه کنید www.asemankafinet.ir

گزارش تخصصی آموزگار و دبیر :

کاهش پرخاشگری یکی از دانش آموزان با روش عاطفی

www.asemankafinet.ir

فهرست مطالب

چکیده..... ۲
مقدمه ۳
بیان مسئله ۳
بیان وضع موجود ۴
اهداف گزارش تخصصی : ۴
جمع آوری اطلاعات..... ۴
تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها: ۵
تفسیر:..... ۶
تجزیه و تحلیل داده ها ۶
اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:..... ۷
اجرای راه حل ها :..... ۸
ارزیابی بعد از اجرای طرح ۹
نقاط قوت ۹
راهکار ها..... ۱۰
ارائه دلایل مشکل پرخاشگری: ۱۲
اشاره به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۱۴
درباره منشاء و ریشه پرخاشگری از چند مسأله باید سخن گفت ۱۶
- راه‌های اصلاحی برای از بین بردن حالت پرخاشگری: ۱۷
نقاط ضعف : ۱۸
راه کار و نتیجه گیری (گزارش نهایی)..... ۱۸
پیشنهادهای تخصصی به مسئولین آموزش و پرورش ۱۹
منابع ومآخذ:..... ۲۰

چکیده

پرخاشگری وسیله ای رفتاری است که فرد به وسیله آن خواستار به دست آوردن هدفی دیگر است و ابداً قصد حمله به دیگران یا اذیت کردن آنها را ندارد. البته در این میان ممکن است لطمه ای نیز به کسی وارد شود. مثلاً کودکی بزهکار کیف‌خانمی را می رباید تا به این وسیله مورد تشویق و تأیید گروه همسالان قرار گیرد ممکن است پرخاشگری جنبه انتقام گیری نیز داشته باشد. یعنی کودکی که مورد اذیت و آزار قرار گرفته و نتوانسته خشم خود را ابراز کند، اکنون با پرخاشگری به کاهش اضطراب خود می پردازد. در این جا پرخاشگری وسیله ای است که کودک با توسل به آن می خواهد به هدف خود یعنی کاهش اضطراب دست یابد.

آموزش و پرورش جدید صحنه ای از یادگیری های متقابل از همه رسانه ها، افراد و تأثیرات فرهنگی همه جوامع است. خیلی از دانش آموزان از کوچک ترین وقایع جهان و محیط قبل از معلمان و مدیران خود آگاه می شوند و انتظارات خاصی از آن ها دارند. در چنین شرایطی، تغییر و اصلاح رفتار تابع درک عمیق علل رفتار است. به همین دلیل برای برقراری انضباط و اصلاح رفتار باید معلمان و مدیران اصول رفتار شناسی و برقراری انضباط را درک و نگرش های درست و عالمانه ای نسبت به آن داشته باشند تا در کارهای پرورشی خود موفق باشند.

اینجانب .... با ۲۷ سال سابقه در پژوهش فوق تلاش نموده ام تا با ایجاد رابطه عاطفی پرخاشگری دانش آموزم رابهبودبخشم؟ و راهکار های آن را در اختیار همکاران گرامی قرار دهم.

مقدمه

دشواری کنترل دانش آموزان با توجه به ویژگی های سنی آنها روز به روز روبه افزایش است. بسیاری از معلمان و مدیران از برخورد با مسائل انضباطی دانش‌آموزان احساس ناتوانی می کنند و به طور معمول ممکن است برخورد های نامناسبی با این رفتار ها داشته باشند. رفتارهای تهاجمی یا پرخاشگرانه از شایعترین اختلالات رفتاری انسان است. براساس بررسی‌های انجام شده، درصد زیادی از مشکلات رفتاری کودکان تحت عناوین مختلف به پرخاشگری مربوط می‌شود. وجود نظریات متنوع در این مورد حاکی از پیچیدگی موضوع است.از نظر علمی باید گفت پرخاشگری یک کشش و یا یک گرایش درفرد است که به صورت زدن، کشتن و ویران کردن خود را نشان می‌دهد. امری که فرد به عنوان عکس‌العمل از خود بروز می‌دهد به گونه‌ای است که باید گفت مناسب عمل و یا رفتار طرف مقابل نیست. ظاهر این امر نشان دهنده یک شورش و انقلابی در درون فرد و حاکی از وجود احساساتی است که فردگویی از بازگو کردن آن وحشت دارد.رنجی در درون او وجود دارد که قادر به رفع و جبران آن نیست و ناگزیر تلافی آن را سر دیگران در می‌آورد اگرچه در مواردی این زجر دادن متوجه خودش نیز می‌شود. فروید معتقد است پرخاشگری امری غریزی و فطری بوده و انسان از هنگام تولد این نیرو را با خود به دنیا می‌آورد.

اصل و مبنای پرخاشگری می‌تواند غریزی باشد و وجود چنین نیرویی در جهت صیانت ذات با نظام خلقت هماهنگی و سازش دارد و تنها نحوه بروز آن در جامعه است که تحت تأثیر عوامل تربیتی – اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد.

بیان مسئله

پرخاشگری یکی از رایجترین واکنشهای کودکان نسبت به ناراحتیها و ناکامی هاست که به منظور صدمه رساندن به دیگران ، کسب پاداش ، ارضای نیازها یا رفع موانع انجام می شود . چون تمام اعمال و رفتارهای انسان دارای هدف است رفتار پرخاشگرانه نیز هدف دارد هدف ، مهم ترین عامل در توجیه نوع رفتار است . براساس شناخت هدف ، می توان بین اعمال و رفتارهای گوناگون وجه تمایز قائل شد و آنها را در زمره رفتارهای سالم یا پرخاشگرانه برشمرد . ممکن است دو عمل یکسان در یک زمان یا دو هدف متفاوت انجام گیرد که یکی رفتار سالم و دیگری رفتار پرخاشگرانه تلقی شود ، برای مثال کودکی را در نظر آورید که در حیاط مدرسه در حال توپ بازی است . اگر توپش به طور تصادفی و بدون آنکه اراده کند به شیشه پنجره بخورد و آن را بشکند ،این عمل پرخاشگری نیست ، در حالیکه اگر توپش به صورت عمدی و به قصد شکستن شیشه بسوی پنجره پرتاب شود ، رفتارش پرخاشگرانه است ، از این رو ، در شناسایی و تعریف پرخاشگری و رفتار پرخاشگرانه باید هدف از انجام دادن آن عمل مشخص شود . مهم ترین هدف زندگی ما رسیدن به شادی و نشاط و کم کردن خشم و

استرس است . حرکت و فعالیت انسان برای دست یافتن به شادی است . اگر فضای آموزشی ما از نشاط و شادی خاصی برخوردار باشد نتیجه ی آن فراگیرانی شاد و با عزت نفس بالا و آرام خواهد بود و آینده سازان خوبی برای این مرزو بوم خواهند بود .
پرخاشگری انواع گوناگونی دارد و آشکارترین نمونه های آن عبارتند از :
پرخاشگری فیزیکی ۲- تهدید کلامی ۳- توهین کلامی ۴- پرخاشگری کلامی ۵- شکایت ۶- پرهیز و پرخاشگری ارتباطی

بیان وضع موجود

اینجانب ..... مدت ۲۷ سال است که سابقه خدمت در آموزش و پرورش دارم. در کلاس من ۲/ ۲ تعداد ۳۲ نفر دانش آموز وجود دارد این کلاس درطبقه دوم مدرسه هست که در این مدرسه تعداد کلاسهای پایه دوم۴کلاس است در سال تحصیلی اخیر نکته ای که توجه مرا به خود جلب نمود پرخاشگری یکی از دانش آموزان به نام شیرین (اسم مستعار) بود وبا توجه به شواهدی که داشته ام مسئله مورد نظرم که مشکل اخلاقی و انضباطی دانش آموزان به قرار زیر بود:
در روزهای آغازین سال تحصیلی متوجه برخی پرخاشگری و بی انگیزگی هایی از جانب دو نفر از دانش آموزان مخصوصا شیرین شدم به حدی که این مسئله نوعی گریز و بیزاری به من القا کرد. اما بعد از دو سه روز از سال تحصیلی متوجه شدم که شیرین کمی آرامتر و متمایل تر به مدرسه شده بود و کمی جو مدرسه رو به دوستی پیش می رود و به این نتیجه رسیدم که می توان از در دوستی با ایشان وارد شد .

اهداف گزارش تخصصی :

هدف اصلی :

کاهش پرخاشگری دانش آموز

اهداف جزئی :

بررسی علل پرخاشگری دانش آموز
بکارگیری روش عاطفی جهت کاهش پرخاشگری در دانش آموز

مقایسه با وضع مطلوب :

در مقایسه با وضع مطلوب بایستی پرخاشگری در دانش آموز با ایجاد روش عاطفی کاهش یابد .

جمع آوری اطلاعات

برای این کار ترجیح دادم در رابطه با پرخاشگری شیرین نخست با خود دانش آموزان صحبت کنم تا نظر خود را بگویند بنا بر گفته دانش آموزان و همچنین شیرین مشخص بود تأثیر سوئی روی اخلاق دانش آموزان گذاشته

است ، به خاطر اینکه در خانه آرامش نداشته در مدرسه مدام به دانش آموزان پرخاشگری می کردند . با توجه به اینکه خودم به تنهایی نمی توانستم مشکل دانش آموز را حل کنم و با مدیر و معاون هم در زنگ های صبحگاه و مراسم دیگر ارتباط داشتند . تصمیم گرفتم از همه کمک بگیرم .

در مرحله دوم با معاون صحبت هایی داشتم و سوال از پرخاشگری شیرین کردم .معاون مربوطه اظهار داشتند که شیرین به بهانه های مختلف دوست دار د دانش آموزان دیگر را اذیت کرده و با پرخاشگری نظم کلاس را به هم بزند از مدیر و معاون آموزشی مدرسه سوالاتی در مورد وضعیت شیرین شد که آنها هم از اخلاق و پرخاشگری شیرین راضی نبودند و می گفتند در مراسم صبحگاه یا مراسم مختلفی که برگزار می شود بی نظمی به وجود می آورند . از دانش آموزان مدرسه در زنگ تفریح سوالاتی در مورد دانش آموز شد عده ی زیادی شکایت داشتند ، و عده ی کمی تا حدودی راضی بودند . از مستخدم مدرسه در مورد وضعیت شیرین سوال کردم راضی نبود و می گفت حتی این دانش آموز حاضر نیست آشغال خود را در سطل بریزند و اگر تذکر داده شود عصبانی می شو د و پرخاشگری می کند . در جلسه ی شورای آموزگاران مشکل دانش آموزان مطرح شد روی هم رفته آموزگاران راضی نبودند . . باز با خود دانش آموز ان مصاحبه کردم و از آنها سوالاتی پرسیدم از جمله : آیا از نظر اقتصادی وضع خوبی دارید ؟ رابطه پدر و مادرت با شما چگونه است ؟ ارتباط پدر و مادرت با هم چگونه است ؟ رفتارت با بقیه ی افراد خانواده چطور است ؟ آیا ورزش و تفریح را دوست داری ؟ آیا اوقات فراغت به تفریح و گردش می روید ؟ چند تا فرزند هستید ؟ سطح سواد پدر و مادرت چقدر است ؟ و .....

از تمام حرفهای شیرین نتیجه گرفتم که از نظر اقتصادی وضع خوبی ندارد و پدر و مادرش کم سواد هستند و پدرش پرخاشگر است و با بقیه ی افراد خانواده هم بد اخلاقی می کند و رفتار او در فرزندشان تأثیر گذاشته و کاری به تفریح و گردش و ورزش ندار د و از نظر اخلاقی به ترتیب فرزندان توجهی نداشته و از لحاظ امنیتی این دانش آموز در خانه احساس آرامش خوبی ندار د . با توجه به این مشکل با همکاری بقیه ی همکاران و با کمک گرفتن از مشاور اداره ، خانواده دانش آموز ، مطالعه ی کتاب های گوناگون و کتاب های پیوند و .... تصمیم به حل مشکل گرفتم

تجزیه و تحلیل و تفسیر داده ها:

مشکل چنان که قبلاً ذکر شد پرخاشگری و بدرفتاری شیرین بود و من در صدد پیدا کردن معضل این کلاس برآمدم و برای رسیدن به راههای مطلوب از روش ۶ پرسش برای تجزیه و تحلیل استفاده کردم.

به شرح ذیل:

۱- چه عواملی باعث شده است که شیرین اینقدر بی انگیزه و گستاخ و . . . شود؟

۲- چرا شیرین این کلاسها تمایلی به بهبود وضعیت رفتاری کلاس ندارد؟

۳- چگونه می توان این وضعیت نامطلوب را به سمت وضعی مطلوب سوق داد؟

۴- چه کس یا کسانی می توانند مرا در رسیدن به هدفم (راهکاری برای بهبود اوضاع کلاسها) یاری دهند؟

۵- از کجا شروع کنم تا بتوانم شیرین را به بهبود اوضاع مایل کنم؟
۶- از چه زمانی می توانم اقدامات لازم را در بهبود وضع شیرین اجرا کنم؟

تفسیر:

با توجه به شواهد ۱ برای پاسخ به ۶ پرسش این نتایج بدست آمد:
عواملی که شیرین را اینگونه بی انگیزه و گستاخ کرده عبارتند از: عدم آگاهی بچه ها از اینکه اینگونه رفتارهای آنها چقدر ممکن است در نگرش و دیدگاه دیگران نسبت به آنها و . . . گران تمام شود. علت دیگر این بود که اولیای مدرسه نقطه های مثبت رفتاری بچه ها را نمی دیدند و مدام انگشت روی نقاط ضعف آنها می گذاشتند و دائم به قول خود دانش آموزان سر هر مسئله ای به آنها گیر می دادند به حدی که بچه ها اعتقاد داشتند سال تحصیلی که تمام است و هر چه بوده گذشته و این مدت باقی مانده هم با بی خیالی می گذرد. به این نتیجه رسیدم که از جمله افرادی که می توانند مرا در امر رسیدن به راهکارهای مطلوب یای دهند، در هر مرحله ای خود بچه ها هستند و بعد از ایشان اولیای مدرسه، معلمان و مدیر و اولیای دانش آموزان و برای رسیدن به هدفم با افراد ذیصلاح مشورت کردم. مثلاً به پیشنهاد یکی از معلمان تصمیم گرفتیم از نمایش یک فیلم در امر تعلیم و تدریس یک درس استفاده کنیم و به صورت غیر مستقیم اخلاق پسندیده را به آنان آموزش بدهیم. ار آنجایی که بچه ها به فیلم علاقه مند هستند، این امر هم در ایجاد رابطه ای دوستانه و ساختن جوی مساعد مرا یاری کرد و هم تقریباً نتیجه ی دلخواهی نصیبم شد. دیگر اینکه با ایجاد یک اردوی دوستانه با دانش آموزان توانستیم از خوشان در حل مشکلشان استفاده کنیم. و تشخیص دادم زمان مساعد و مناسب برای اقدام های لازم دقیقاً بعد از شناخت معضل و مکان مناسب این کار در مرحله ی اول می تواند خانه و بعد مدرسه و مکان هاب تفریحی و اردوگاهها باشد.

تجزیه و تحلیل داده ها

باید بچه ها به اهمیت ادب و نزاکت و تأثیرات آن پی ببرند .
- تا جایی که امکان دارد به خانواده دانش آموزان کمک شود .
- باید از مجموعه رفتارهای به هنجار و نابهنجار افراد حداقل شناخت را حاصل کرد .
- همکاری والدین و معلم در این زمینه باید فعالانه و مستمر باشد .
- میزان پذیرش فرد پرخاشگر در مدرسه از طرف معلم و همسالان مورد بررسی قرار گیرد .
- رفتار اجتماعی فرد ارزیابی شد ه و جهت اصلاح آن اقدام جدی صورت گیرد .
- مصاحبه ی فرد پرخاشگر به صورت انفرادی صورت گیرد .
- خانواده ی فرد پرخاشگر را به طرف تفریحات سالم و ورزش سوق داد .

- امیدوار کردن دانش آموز به آینده و تشویق و ترغیب او در رابطه با انجام کارهای خوب .
- مقایسه نکردن دانش آموز با بقیه ی دوستان و همسالان
- آرامش دادن به دانش آموز و استفاده کردن از او جهت سرگروه کلاس و دادن مسئولت به او

اجرای راهکار های پیشنهادی و نظارت بر آنها:

راهکارهای پیشنهادی را می توان از درون داده ها چنین بدست آورد و نتیجه گرفت:

۱- گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه و همکاران و گرفتن ایده های ایشان برای حل معضل

۳- مشورت با اولیای دانش آموزان برای حل معضل

۴- ایجاد انگیزه با ترتیب دادن برنامه های متنوع، اردو و برنامه های شاد

۵- تقویت اعتماد به نفس و تشویق و ترغیب ایشان به بهود اوضاع

۶- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند.

۷- تغییر روش تربیتی و آموزشی از سنتی به نوین

گرفتن کمک از خود دانش آموزان در حل معضل خودشان با ایجاد ارتباط و دوستی. در این مورد چنانچه به خاطر دارم، در اوایل امر به دلیل کم تجربگی خودم و عدم شناختم از دانش آموزان سعی کردم خودم هم کمی خشک برخورد کنم و فکر می کردم اگر با بچه ها راحت تر باشم ممکن است مورد سوء استفاده قرار بگیریم و این را یکی از عواملی دیدم که در خراب شدن اوضاع این کلاسها و ایجاد فاصله بین من و دانش آموزانم و سخت شدن کار مؤثر بود. به طور مثال زمانی که حتی دانش آموزان ابراز علاقه به اینجانب می نمودند حال یا به زبان می آوردند یا به هر نحو دیگری، من نیمه ی خالی لیوان را می دیدم و فکر می کردم همه ی این رفتارهای آنها چاپلوسی است و همین امور باعث ایجاد شکاف و مشکل شد. تا اینکه در طی این مدتی که روی این پژوهش انجام می دادم به این نتیجه رسیدم .

۲- مشورت و جلسه با اولیای مدرسه در راستای حل معضل بچه ها به دلایل ذیل به وقوع نپیوست:

اول اینکه مسئله را با اولیای مدرسه مطرح کردم و از آنها راهکار خواستم و گفتم کاش همه همکارانی که با بچه های این کلاس سر و کار دارند را در یک جلسه گرد هم می آوردیم و با مطرح کردن مسئله از نظرات ایشان نیز بهره می بردیم. ایشان گفتند در یک جلسه شورای آموزگاران مسئله را عنوان می کنیم که جلسه شورا یکی دو بار پس از این صحبت تشکیل شد که همیشه متأسفانه مسائلی که از دید مدرسه مهم تر بود مانع از طرح مسئله کلاس شد و این مسئله هیچ گاه در شورا مطرح نشد. این بود که تصمیم گرفتم با ایجاد پرسشنامه از نظرات همکاران استفاده کنم که متأسفانه نسبت به جلسه شورا نتوانست به عنوان راهکاری مؤثر واقع شود. در مورد نظرات اولیای دانش آموزان و جلسه با ایشان هم همین موانع وجود داشت.

۳- در زمینه ایجاد انگیزه با ترتیب دادن اردو و برنامه های شاد اینگونه عمل کردم:

زمانی که تصمیم به رفتن به اردو با بچه ها گرفتم، متأسفانه متوجه شدم بخشنامه آمده که همه ی اردوها لغو شده است. و تنها کاری که توانستم در این مورد انجام دهم این بود که چند بار که کلاسم با برنامه ی جشن های پرورشی مدرسه برخورد می کرد و اختیار را به همکاران می دادند که اگر می خواستند می توانستند کلاس را تشکیل دهند، برای آنکه بچه ها بتوانند در آن ساعات از نظر روحی آرام شوند و بتوانند خود را با شادی و شرکت در جشن تخلیه روانی کنند، اجازه رفتن به جشن را به آنها می دادم. در ضمن خودم هم سعی می کردم همراه با آنها و در نزدیکترین مکان به آنها حضورمی یا فتم. و متأسفانه با توجه به شرایط تنها کاری که از دستم برآمد اینهایی بود که مطرح کردم و نه بیشتر.

۴- توجه به محاسن و ندیدن و اغماض عیوب ایشان تا حدی که به مسئله ی تربیتشان لطمه نزند و به آنها کمک کند. در این زمینه سعی کردم همیشه توانایی های بچه های مذکور را درشت تر ببینم و گه گاه برخی کارهای مثبتشان را در کلاس های دیگر به عنوان الگو مطرح کنم. از آنجایی که بچه ها با هم در ارتباط اند و به یکدیگر اطلاع می دهند که فلان معلم راجع به شما چه می گفت، بچه ها باور کردند که نقاط مثبتی هم دارند. یک مرتبه هم از مدیریت مدرسه تقاضا کردم که به عنوان تشویق در صف صبحگاه نامی از این کلاسها بیاورد که این کار در بهبود وضع رفتاری بچه ها خیلی موثر بود. در ضمن هر گاه از دفتر به این کلاسها می رفتم حتی به صورت مصلحتی به بچه ها می گفتم: بچه ها جدیداً دفتر از شما خیلی رضایت دارد. این را خودتان می دانستید که خیلی عوض شده اید؟ و این کار خیلی آنها را بزرگ می کرد و در جهت بهبود دیدگاه مسئولان مدرسه سعی می کردم معایب بچه ها را کمتر مطرح کنم، مگر زمانی که به کمک ایشان جداً نیازمند بودم و محاسن بچه ها را بزرگ کرده به مسئولان گوشزد کنم که این کار در بهبود روابط بچه ها با دفتر مدرسه نیز بسیار مؤثر واقع شد.

پس از گرفتن یک آزمون و مشاهده ی نتایج مطلوب تر از گذشته ی ایشان سعی کردم ایشان را تشویق کنم که در جهت جلب اعتماد به نفس و ایجاد انگیزه و ایجاد رابطه ی حسنه ی خودم با بچه ها بسیار مؤثر بود.

پرسشنامه ای ترتیب دادم و نظرات همکاران را جویا شدم که پیشنهادات و اظهار نظرات ایشان نیز مرا در این امر تا حدی یاری رساند.

اجرای راه حل ها :

اجرای راه حل های انتخابی که به طور کامل در اجرای راه حل ها توضیح داده شده اند به من کمک کردند برای بهتر شدن کارم جدولی که تهیه کرده بودم با کمک اولیاء هر ماه پر می شد و تحویل مدیر مدرسه داده می شد با همکاری مدیر مربوطه جداول را در پوشه ای قرار دادم در نتیجه ی کارم را گزارش دادم که خیلی مثمر ثمر واقع شد.

ارزیابی بعد از اجرای طرح

با توجه به طرح معضل و یافتن راهکارها پس از پرسش از بچه ها و همکاران و مشورت و همیاری دوستان و همکارانم عکس ها و اسنادی از شیرین تهیه کردم که سیر تدریجی بهبود اوضاع کاملاً قابل دریافت بود با اجرای مراحل انجام شده شادابی و نشاط و آرامش را در شیرین مشاهده کردم و خیلی خوشحال بودم که توانسته ام کار مفیدی انجام دهم طبق سفارش رهبر کبیر انقلاب با توجه به بند تحول بنیادین آموزش و پرورش که فرموده اند : محصولاتی که شما تحویل این ننظام می دهید باید در طراز جمهوری اسلامی باشد یا ویژگیهایی نظیر : مؤمن ، پرهیزکار ، متخلق به اخلاق اسلامی ، با نشاط ، خلاق ، خود باور و .... داشته باشند اگر این اتفاق بیفتد می شود.

نقاط قوت

براساس اطلاعات بعد از اجرای طرح تأثیرات اقدامات انجام شده را بنا به دلایل زیر مثبت ارزیابی کردم:
گزارشی از کلاس های مذکور توسط مدیر محترم تهیه شد و تعیین اعتبار از طریق افراد زیر انجام گرفت:

۱- ارزیابی طرح توسط دانش آموزان به وسیله پرسشنامه ۲- توسط خودم

۳- توسط همکاران و آموزگاران ۴- به وسیله کتاب ها

برای تحقق اهداف نظم و انضباط در مدارس باید با تکیه بر همه مطالب یاد شده، به دو موضوع مهم اصول انضباط و روش های آن توجه خاص داشت:

الف – اصول انضباط

اعمال و برقراری انضباط تابع اصول و قواعدی به شرح زیر است که بدون درک آن ها امکان موفقت در تغییر و اصلاح رفتار وجود ندارد:

۱- مبنای انضباط باید بر پایه دوستی دو طرفه معلمین و شاگردان باشد.

۲- مسائل انضباط صرفاً به محیط مدرسه محدود نمی شود. دانش آموزان فقط چند ساعتی در مدرسه هستند و بقیه ساعات زندگی خود را در خانواده و محله می گذرانند. بنابراین، ریشه های آن را باید در جاهای دیگر نیز دید و برای حل آن نیز باید از آن ها کمک گرفت.

۳- انضباط نباید بر پایه تنبیه اعمال شود.

۴- کنترل فرد بر رفتار خود از ضروریات ارزش انسانی است و بنابراین، برای برقراری انضباط باید از خود دانش آموزان استفاده کرد و خودشان درباره ی رفتارشان و چگونگی تأمین انضباط تصمیم بگیرند.

۵- انضباط باید به عنوان یک امر ضروری برای زندگی جمعی در مدرسه به حساب آید و همه اعضای سازمان آموزشی مانند دانش آموزان، معلمان، کارکنان، مدیران و حتی اولیاء آن را درک کنند.

۶- باید برای برقراری انضباط، مطالعات و امکانات لازم و آموزش آن پیش بینی شود.

۷- برای برقراری انضباط، دانش آموزان باید درک کنند که انضباط فقط مربوط به مدرسه و برای مدرسه نیست، بلکه آن پایه ای برای انضباط اجتماعی و رعایت مقررات و نظم جامعه و زندگی است.

۸- درک چراهای رفتاری و انضباطی مقدم بر رفتار ظاهری و رعایت انضباط است.
۹- از آن جا که انضباط مربوط به تمام زندگی است، توجه به نکات زیر ضروری است.
الف – نگاه به انضباط برای حفظ سلامتی و بهداشت فرد و اجتناب از عادت های بد،
ب- کوشش مستمر به سوی توسعه و بهسازی روانی و ذهنی،
ح- آزاد اندیش شدن و رعایت حدود آزادی ها و حقوق دیگران،
د- اجتناب از بدخواهی علیه هر کس
ه- آموزش و توسعه سعه صدر، دوستی و عدالت نسبت به دیگران.
۱۰- رعایت اصل اعتدال و عدالت در امور انضباطی بر اساس توان و تکلیف افراد.
ب- روش های برقراری انضباط
بر پایه مطالعات و گفتاری پیشین، روش های زیر برای برقراری انضباط پیشنهاد می شود:
۱- به کار گیری مشکل شناسی به عنوان پایه اصلی رهبری و مدیریت انضباط در سازمان آموزشی.
۲- تعیین اهداف، استانداردها، قوانین و مقررات روشن.
۳- روش ساختن و تفهیم انتظارات مدرسه از دانش آموزان و کارکنان.
۴- کوشش برای اعمال کوشش ها و فعالیت های هماهنگ بین مدیر، معلمان، دانش آموزان و اولیاء.
۵- بالا بردن توانایی های معلمان و مدیران در انگیزش، روش تدریس و روابط.
۶- بستر سازی و دادن مسئولیت برای خود کنترلی دانش آموزان در امور مدرسه.
۷- داشتن روابط حسنه با دانش آموزان – احترام به جای ترس.
۸- پیش بینی برنامه های متنوع ولی منظم و زمان مند بر اساس نیازهای دانش آموزان و اهداف تعلیم و تربیت و تلفیق آن ها.
۹- به کار گیری و دخالت دانش آموزان در امور برنامه ریزی و استقرار نظم و انضباط.
۱۰- ارتباط بین اولیاء و مربیان و توافق آن ها در مسائل تربیتی و روش ها.
۱۱- اعمال روش های درست تشویق و تنبیه.
۱۲- برنامه دار بودن و پیش بینی فعالیت ها.

راهکار ها

ذکر چند نکته برای اداره ی مناسب کلاس و مدرسه که نقش مهمّی در نظم اجتماعی و بالا رفتن بازدهی آموزشی دارد به شرح زیر می باشد :
۱- قوانینی را که برای اداره ی کلاس ضروری به نظر می رسد باید با عباراتی مشخص در ابتدای سال تحصیلی برای دانش آموزان بیان کرد و بچه هایی که از قوانین اطاعت کنند و از مقرّرات کلاس سرپیچی نکنند را جهت تشویق در اردو های تدارک دیده شرکت داد .

۲- در اوّل سال تحصیلی جهت اجرای مناسب قوانین واحد آموزشی مدرسه تعهّدنامه ی ثبت نام دانش آموزان را در چندین نوبت مراسم صبحگاهی قرائت و تعهّد اخلاقی از کلّیّه ی دانش آموزان گرفته شود .
۳- جهت اجرای نظم درکلاس ها و برای همکاری با مدیر آموزشگاه برای هر کلاس یک مبصر - جانشین - مسئول غائبین و یک نفر به عنوان مسئول انتظامات سالن در حین خروج از کلاس و حیاط مدرسه با تأیید دانش آموزان انتخاب می شوند .
۴- انتخاب دو نفر از دانش آموزان تحت عنوان انتظامات جلوی درب ورودی سالن که در زنگ های تفریح مشغول انجام وظیفه می باشند .
۵- انتخاب سه نفر از دانش آموزان شورای دانش آموزی مدرسه تحت عنوان انتظامات درب ورودی حیاط مدرسه در زنگ های تفریح جهت کنترل افراد متفرّقه و دانش آموزان .
۶- تهیّه ی پارچه ی سفید بازوبند برای انتظامات حیاط مدرسه و درب ورودی حیاط مدرسه و درب سالن ورودی در زنگ های تفریح .
۷- تذکّر و قرارداد با دانش آموزان مبنی بر این که درحیاط مدرسه رعایت حال دانش آموزان بیمار و ضعیف را بکنند و حتی احتمال بدهند که در حین دویدن امکان دارد به یک دانش آموزی برخورد کنند که عمل جراحی کرده و بر اثر برخورد آن ها به زمین بخورد و منجر به خسارت شود ، در صورت بروز چنین حوادثی دانش آموز بی توجه مسئول پرداخت هزینه می باشد .
۸- تذکّر به دانش آموزان در خصوص باز بودن درب ورودی حیاط مدرسه مبنی بر این که ورود دانش آموزان به مدرسه آزاد امّا خروج از مدرسه ممنوع می باشد و بدون اجازه ی مسئولین مدرسه و خودسرانه خارج شدن از مدرسه تخلّف محسوب می شود .
۹- تهیّه ی دفتر انضباطی جهت یادداشت موارد تذکّر داده شده و موارد تشویقی دانش آموزان .
۱۰- پیگیری جدّی در مورد غائبین و در صورتی که دانش آموز بدون اطّلاع خانواده اش غیبت کند قبل از زنگ مدرسه با خانواده اش تماس گرفته و علّت غیبت سؤال شود .
۱۱- تذکّرات خصوصی به دانش آموزان شلوغ (بیش فعّال) و ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان .
۱۲- داشتن قابلیّت صبر و بردباری درصورت بروز مشکل و توانایی گوش دادن به حرف های دانش آموزان تارسیدن به نتیجه و برقراری آشتی و رضایت بین دانش آموزان در صورت چشم پوشی کردن آن ها از مسایل به وجود آمده .
۱۳- تذکّر نکات اخلاقی و حتّی نکات مهمّ کتابچه ی جوان ، قانون ، . . . و آگاهی دادن جهت مهارت های زندگی و این که با افراد مزاحم در خیابان و جامعه چطور برخورد کنند .
۱۴- اجتناب از تنبیه بدنی در کلّ دوران مسئولیّت .

هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرّراتی کند که فرهنگ یک گروه پذیرفته است به طوری که رفتار خود را با توقّعات وخواسته های سالم اجتماعی که در آن زندگی می کند هم آهنگ نماید .

اهمّیّت انضباط به شرح زیر است :

الف - سلامت جامعه

ب – شادی و نشاط فرد

ج – سازش فردی و اجتماعی

د – احساس امنیّت

ه – اعتماد به نفس

و - جلب محبّت دیگران

ز - صرفه جویی در وقت

انضباط سبب ایجاد عظمت برای انسان است و این که رعایت انضباط در کلاس درس نه تنها موجب یادگیری بهتر می شود بلکه به رشد سالم شخصیّت دانش آموز هم منجر می شود . به عکس هرگونه پرخاشگری و عدم رعایت مقرّرات و انضباط سبب شرمندگی ، احساس گناه و خسارت مادّی و معنوی می شود .

همان طورکه در پزشکی ، پیشگیری خیلی با ارزش تر از درمان است درمسایل انضباطی هم این اصل حاکم است یعنی پیشگیری با ارزشمندتر از اصلاح می باشد . رعایت اصول انضباطی را باید از زمان کودکی به بچه ها یاد داد .

در بررسی تاریخچه ی زندگی افراد بزهکار دیده شده است که این افراد در سنین کودکی و نوجوانی هم معمولا افرادی بی انضباط و لاقید بوده اند . عکس قضیّه هم صادق است یعنی وقتی تاریخچه ی زندگی و سوابق افراد صاحب نام را برّرسی کرده اند دریافته اندکه این افراد در سنین کودکی و نوجوانی هم معمولا افراد منضبط بوده اند .

ارائه دلایل مشکل پرخاشگری:

۱: تفاوت های جنسیتی

پسرها پرخاشگرتر از دخترها هستند. این تفاوت در غالب فرهنگ ها و تقریباً در همه سنین و نیز در غالب حیوانات دیده می شود. پسرهابیش از دخترها پرخاشگری بدنی و لفظی دارند. از سال دوم زندگی این تفاوت ها آشکار می شود. براساس مطالعات مشاهده ای در مورد کودکان نوپای بین سنین ۱ تا ۲ سال تفاوت های جنسیتی از لحاظ تعداد پرخاشگری بعد از ۱۸ ماهگی ظاهر می شود و قبل از آن اثری از آن نیست. پسرها به خصوص وقتی که به آنان حمله می شود یا کسی مزاحم کارهایشان می شود تلافی می کنند.

۲: عوامل خانوادگی پرخاشگری

عوامل خانوادگی به عنوان یکسری از عوامل محیطی در بررسی عوامل تربیتی افراد موثر می‌باشند، چرا که خانواده به عنوان اولین محیط اجتماعی زندگی افراد بسیار حائز اهمیت می‌باشد و خیلی از چیزها را افراد در

سالهای اولیه حیات اجتماعی خود در آن می‌آموزند. خانواده می‌تواند از جهات مختلف موجب بروز یا تشدید پرخاشگری شود که مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱) نحوه برخورد والدین با نیازهای کودک: معمولاً کودکی که وسایل و اسباب بازی مورد علاقه خود را در دست دیگری می‌بیند برانگیخته می‌شود و در صدر گرفتن آن حتی با اعمال خشونت می‌شود.تجربه نشانگر آن است که چنانچه در کودکی همیشه توقعات و انتظارات فرد برآورده شده باشد او بیشتر از کسانی که توقعات و انتظاراتشان برآورده نشده‌است خشمگین و پرخاشگر می‌شود.

۲) وجود الگوهای نامناسب: داشتن الگوی مناسب در زندگی یکی از نیازهای انسان است زیرا انسان‌ها علاقه مند هستند که رفتار و کردار خود را مطابق با کسی که مورد علاقه خودشان است انجام دهند و چنین کسانی را راهنما و الگوی زندگی خود قرار دهند بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که بیشتر کودکان پرخاشگر والدین خشن و متخاصمی داشته‌اند یعنی نه تنها کودک آنها از محبت لازم برخوردار نبود از الگوی پرخاشگری موجود در خانواده نیز تأثیر پذیرفته بود. دیکتاتوری خانواده‌هایی که تابع اصول دیکتاتوری هستند معمولاً رشد فرزندانشان را محدود می‌کند در این نوع از خانواده یک نفر حاکم بر اعمال و رفتار دیگران است که غالبا پدر چنین نقشی را دارد اما گاهی اوقات مادر، خواهران و برادران بزرگ‌تر نیز با دیکتاتوری رفتار می‌کنند در این گونه خانواده‌ها فرد دیکتاتور تصمیم می‌گیرد، هدف تعیین می‌کند، راه نشان می‌دهد، وظیفه معلوم می‌کند، برنامه می‌ریزد و همه باید به طور مطلق مطابق میل او رفتار کند و حق اظهارنظر از آن اوست. بچه‌هایی که در محیط دیکتاتوری پرورش پیدا می‌کنند ظاهراً حالت تسلیم و اطاعت در رفتارشان مشاهده می‌شود و همین حالت آنهارا به هیجان و اضطراب وا می‌دارد. این بچه‌ها در مقابل دیگران حالت دشمنی و خصومت به خود می‌گیرند و به بچه‌های هم سن و سال خود یا کمتر از خود صدمه می‌رسانند این افراد از تعصب خاصی نیز برخوردارند و از به سر بردن با دیگران عاجز هستند، در کارهای گروهی نمی‌توانند شرکت کنند و از اعتماد به نفس ضعیفی برخوردارند و در امور زندگیشان بی لیاقتی خود را نشان می‌دهند و اغلب در کارها با شکست روبرو می‌شوند.

۳) تأثیر رفتار پرخاشگرانه: عده‌ای از افراد پرخاشگر و زورگویی را تقبیح نمی‌کنند بلکه آنرا نشانه شهامت و قدرت خود می‌دانند این افراد اعمال پرخاشگرانه خود و دیگران را مثبت موجه و حتی لازم می‌دانند و به آن صحه می‌گذارند.

۴) تشویق رفتار پرخاشگرانه: در مواقعی که رفتار پرخاشگرانه توسط والدین و دیگر افراد سبب تقویت مثبت و تثبیت این رفتار می‌شود. گاه با والدین یا مربیانی روبرو می‌شویم که به بهانه آموزش دفاع از خود به کودکی می‌گویند «از کی نخوری» «توسری نخوری» و... که به طور وضوح به جای نشان دادن رفتارهای منطقی در مقابل برخورد با موانع شخصی را به پرخاشگری بی مورد تشویق می‌کنند.

۵) تنبیه والدین و مربیان: والدین و مربیان که در برابر پرخاشگری و خشونت کودک عصبانی می‌شوند به صورت پرخاشگرانه اورا تنبیه می‌کنند از تشدید این رفتار در او موثرند درچنین مواقعی تنبیه عامل فزاینده و تقویت

کننده پرخاشگری است زیرا علاوه بر اینکه سبب خشم و احتمالاً پرخاشگری کودک می‌شود، شخص تنبیه کننده الگوی نامناسبی برای پرخاشگری کودک می‌شود.

اشاره به سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

پس با توجه به سند تحول بنیادین مسئولیت معلم مسئولیت خطیری است که معلم به عنوان محور تعلیم و تربیت است با شادابی دانش آموزانم خیلی خوشحال بودم ، هر زمان نام کلاس را می آوردم شور و شعف غیر قابل وصفی را در این دانش آموزان مشاهده می کردم . مشاهده می کردم که خود دانش آموزان پرخاشگر به صورت مستقیم بچه های دیگر را راهنمایی می کنند و از تند خویی و تندی کردن به دوستان و همکلاسان منع می کردند از اولیاء دانش آموزان دعوت کردم و با توجه به جداول تهیه شده از اول سال از پیشرفت فرزندشان سوال کردم خیلی رضایت بخش بود . مدیر و معون و بقیه ی مربیان این دانش آموز از اصلاح رفتار او رضایت کامل داشتند و می گفتند که هشتاد درصد تغییر کرده است ، حتی گروههای آموزشی که قبلاً از رفتار دانش آموز خبر داشتند موقعی در آخر سال این دانش آموز فعال و با نشاط و شاداب دیدند تعجب کردند و مشاوران در مراحل آخر موقعی با دانش آموزان مشاوره کرد رضایت کامل داشت . پس روی هم رفته تمام عوامل دست اندکار برای آرام کردن این دانش آموزان رضایت کامل داشتند . پس نتیجه گرفتم به جواب سوالم که چگونه می توانم پرخاشگری را در دانش آموزان ابتدایی برطرف کنم رسیدم و خیلی خوشحال هستم که گاهی در جهت سلامتی و نشاط و شادابی این دانش آموز و خوشحالی اولیاء برداشتم ، و این همه را مدیون تلاش و پشتکار خود و همکاران و ولی دانش آموز و مدیر مدرسه و مشاور می باشم .

اگر دانش‌آموزان در مدرسه نظم و انضباط را رعایت کنند نتیجه آن مسئولیت‌پذیری آنها خواهد بود. این دانش‌آموزان با رعایت حقوق تمامی افراد و برخوردهای منطقی با مخالفین و احترام متقابل، از عصاره بدست آمده از رعایت رفتار و عمل به آن در سطح مدرسه و بعد از آن پیاده کردن کاربردی‌تر در سطح اجتماع رفتار می‌کنند که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و کشمکشهای موجود در داخل اجتماعات انسانی باشد.

اگر به دانش‌آموزان بی‌انضباط و یا کم فعال مدرسه مسئولیتی را بدهیم و اجازه دهیم آن را تجربه کنند قطعاً این دانش‌آموزان از نظر انضباطی بهبودی پیدا خواهند کرد فقط این کار مستلزم فرآیند آزمایش و خطاست.

این مسئولیت‌ها باید از کوچک شروع شود و پس از آنکه دانش‌آموز از خود قابلیت ایفای مسئولیت را نشان داد مسئولیت‌های مهم داده شود. دانش‌آموز، با احساس مسئولیت کردن، به بحث و تصمیم‌گیری و مشارکت در مدرسه می‌پردازد که باعث ایجاد مدرسه‌ای نتیجه‌بخش می‌شود و محیط بهتری را برای آموزش فراهم می‌کند.رابطه نظم و انضباط با مسئولیت‌پذیری، رابطه‌ای متقابل است.

بعضی‌ها بر این باورند که برقراری نظم و انضباط در مدارس امروزی با توجه به اجتماعی که در آن قرار داریم خیلی مشکل است. مدرسه‌ای که نتوان در آن نظم را برقرار کرد، طبق مباحث قبلی این مدرسه موفق نخواهد بود. نه دانش‌آموز درس خواهد خواند و نه نظم کلاس را رعایت خواهد کرد.

خیلی از معلمان مدارس ما از مشکل بی‌انضباطی زجر می‌کشند زیرا عاقبت بی‌انضباطی را درس نخواندن می‌دانند. انضباط و تعلیم و تربیت ارتباط خیلی نزدیکی دارند و بعضی دیگر از معلمان با مدیریت خوب کلاس، انضباط را یک معضل نمی‌دانند.

بعضی معلمان و معاونان بر این اعتقادند که برای برقراری نظم حتماً شیوه تشویق و تنبیه باید وجود داشته باشد و بعضی دیگر معتقدند برای دانش‌آموز باید محیطی فراهم آورد که در آن برای قدم گذاشتن در جاده پیشرفت مورد حمایت قرار گیرد و موانع سر راهش هموار گردد. به نظر آنان دانش‌آموز انگیزه درونی دارد بنابراین کافی است که این انگیزه پرورش یابد نه اینکه کنترل شود تا بتواند به بار بنشیند بنابراین طبق این نظریه، معلم که جهت دهنده است حرف اول را در پرورش نمی‌زند ولی به این معنی هم نیست که دانش‌آموز را به حال خود رها کنیم.

سعی کنیم با دانش‌آموزان بی‌انضباط، آرام، خونسرد و حرفه‌ای برخورد کنیم. این نکته خیلی مهمی است زیرا اگر مأمور پلیسی وسیله نقلیه ما را به خاطر رعایت نکردن قوانین رانندگی جریمه کند حق اجرای قانون انتظامی دولتی را دارد یعنی صدور برگه جریمه، ولی حق تحقیر و رجزخوانی و سرزنش شما را ندارد. در مورد دانش‌آموزان بی‌انضباط هم عیناً همین است ما در حیطه وظایف خود حق اجرای برنامه انضباطی را داریم ولی نباید با فریاد زدن و حرکت انگشت، یا نگاه‌های تهدیدآمیز و یا تعابیر نیش‌دار و.... مورد بی‌انضباطی را به دانش‌آموز بگوییم. اگر برخورد ما با خونسردی و همراه با ریشه‌یابی باشد احتمال بیشتری دارد تا دانش‌آموز متوجه رفتارش شود زیرا ما می‌خواهیم با دانش‌آموزان تا پایان سال تحصیلی در مدرسه، با هم باشیم. اگر ما از دست دانش‌آموز، از حال طبیعی خود خارج شویم دیگر نمی‌توانیم به دانش‌آموز تسلط داشته باشیم. ما هنگام برخورد با دانش‌آموز بی‌انضباط باید آرام و خونسرد باشیم چرا که دانش‌آموزان از رفتار ما الگوگیری می‌کنند.

کم‌توجهی به دانش‌آموزان، به صورت ناتوانی در ادامه دادن یک تکلیف خاص آشکار می‌شود. دانش‌آموزانی هم در مدرسه هستند که معمولاً بیش‌فعال هستند که هم خانواده از دست چنین دانش‌آموزانی ناراضی است و هم مدرسه. این دانش‌آموزان در مدرسه، از دستورها اطاعت نمی‌کنند عملکردی تکانشی دارند و تحریک‌پذیر و خشن هستند. چون این دانش‌آموزان چنین مشکلاتی را دارند با هم سالان خود و خواهر و برادرشان مشکل دارند بعداً ممکن است در اجتماع دچار تنهایی و گوشه‌گیری شوند. این افراد از فعالیت‌هایی که نیازمند کاربرد نظم و انضباط مداوم و کوشش ذهنی و تقاضاهای سازمانی یا تمرکز حواس است، اجتناب کرده و یا بدشان می‌آید. این دانش‌آموزان در کلاس درس حواسشان به راحتی توسط محرک‌های ناآشکار منحرف می‌شود و در نتیجه هر محرک بی‌اهمیتی کار و فعالیت آنها را قطع کرده و باعث بی‌انضباطی در مدرسه می‌شوند.

برای ایجاد انضباط معلم باید خواسته‌های خود را با دانسته‌های دانش‌آموز هماهنگ کند و به اصلاح تجارب نادرست پرداخته و رفتارهای جدید ایجاد کند و تداوم در این رابطه اهمیت دارد. همچنین همکاران بدانند که دادن فرصت و مشاهده و تمرین رفتار مطلوب به دانش‌آموزان می‌تواند مؤثر باشد و رفتار صحیح را در عمل آموزش دهند.

دانش‌آموزان کادر مدرسه را، راهنمای اخلاقی خود می‌دانند و آنچه را که وی به عنوان نیک و زشت می‌گوید می‌پذیرند. بنابراین رفتار معلم با عمل او باید یکسان باشد.
رفتار های ارهای تهاجمی یا پرخاشگرانه از شایعترین اختلالات رفتاری انسان است. براساس بررسی‌های انجام شده، درصد زیادی از مشکلات رفتاری کودکان تحت عناوین مختلف به پرخاشگری مربوط می‌شود. وجود نظریات متنوع در این مورد حاکی از پیچیدگی موضوع است.
از نظر علمی باید گفت پرخاشگری یک کشش و یا یک گرایش درفرد است که به صورت زدن، کشتن و ویران کردن خود را نشان می‌دهد.
امری که فرد به عنوان عکس‌العمل از خود بروز می‌دهد به گونه‌ای است که باید گفت مناسب عمل و یا رفتار طرف مقابل نیست. ظاهر این امر نشان دهنده یک شورش و انقلابی در درون فرد و حاکی از وجود احساساتی است که فردگویی از بازگو کردن آن وحشت دارد.
رنجی در درون او وجود دارد که قادر به رفع و جبران آن نیست و ناگزیر تلافی آن را سر دیگران در می‌آورد اگرچه در مواردی این زجر دادن متوجه خودش نیز می‌شود. فروید معتقد است پرخاشگری امری غریزی و فطری بوده و انسان از هنگام تولد این نیرو را با خود به دنیا می‌آورد.
ابن‌سینا در این باره می‌گوید: اصل و مبنای پرخاشگری می‌تواند غریزی باشد و وجود چنین نیرویی در جهت صیانت ذات با نظام خلقت هماهنگی و سازش دارد و تنها نحوه بروز آن در جامعه است که تحت تأثیر عوامل تربیتی - اجتماعی می‌تواند متفاوت باشد.

درباره منشاء و ریشه پرخاشگری از چند مسأله باید سخن گفت

▪ منشاء غریزی و فطری:

طفل به همراه تولد خود این حالت را دارد و آماده پرخاشگری است که جلوه آن به صورت جنگ، دفاع، نزاع‌های شخصی و درگیری‌های جمعی در افراد دیده می‌شود.

▪ منشاء اجتماعی:

گروهی از روانشناسان این حالت را ناشی از آموخته‌های اجتماعی و مکتسبات آن می‌دانند و می‌گویند: نارضایتی فرد از محیط و اطرافیان و عقده‌هایی که از پدر و مادر، مدیر، معلم و مدرسه دارد سبب پیدایش این حالت و عقده در فرد می‌شود.

▪ منشاء غریزی و اجتماعی:

شاید بهترین نظر این باشد که بگوییم این حالت در افراد دارای ریشه و منشاء غریزی و اجتماعی است بدین معنی که اصل آن در افراد غریزی است. در همه افراد کم و بیش به صورت آشکار و نهان وجود دارد ولی به تدریج و بر اثر اکتساب، دامنه آن گسترده خواهد شد.

▪ **کمبود توجه و عاطفه:**

خصوصاً در هنگام کودکی و نیز طرد کودک از سوی والدین یا جدایی آنها که سبب احساس ناامنی در فرد می‌شود.

همچنین غیبت پدر یا اعتیاد والدین عاملی است در جهت تشدید رفتارهای پرخاشگرانه.

● راه‌های اصلاحی برای از بین بردن حالت پرخاشگری:

▪ **آگاهی دادن:**

این مسأله مهمی است که به دانش‌آموز تفهیم شود راه وصول به هدف از طریق پرخاشگری ممکن و درست نیست. داشتن زور و قدرت خوب است ولی به کار بردن آن به صورت وحشیانه امری نامطلوب است.

▪ **اقدام به رشد فکری:**

در موقع پرخاشگری نباید عصبانی شد و یا بر سر دانش‌آموزان داد کشید. این امر ممکن است اثری فوری داشته باشد ولی در دراز مدت کاری بیهوده است.

باید از جر و بحث و جار و جنجال دست کشید و از طریق ذکر داستان‌ها و بیان مسائل حقایق و واقعیت‌ها کوشید که سطح آگاهی و اندیشه او را بالاتر برده و او را به تدریج پخته و ورزیده سازد.

▪ **آشنا کردن به حقوق دیگران:**

این ضرورت حیات است که انسان‌ها به حقوق و وظایف خود در قبال دیگران آشنا باشند و بدانند در برابر طرف مقابل چه موضعی باید اتخاذ کنند تا این گمان برایشان پیش نیاید که پدر و مادر و احیاناً دیگران موظفند هر رفتاری که از آنها بروز کرده متحمل شوند.

▪ **آگاهی به زشتی امر:**

هم‌چنان فرد باید دریابد که با پرخاشگری عمل ناپسندی را انجام داده و هرگز از زدن و ویران کردن و پرخاش و عتاب خود راضی نباشد.

▪ **رفع ناکامی‌ها و محرومیت‌ها:**

از میان برداشتن این عامل خود در تعدیل این حالت دارای نقش فوق‌العاده و اساسی است.

▪ ایجاد محیط صمیمی:

از طریق ایجاد روابط دوستانه و محیط صمیمانه و گرم تا حد زیادی زمینه را برای اصلاح و تعدیل او فراهم سازد و هم با ایجاد ملاحظات و رودربایستی‌ها زشتی و کراهت این امر را به او تفهیم کنید.

▪ ایجاد سرگرمی و اشتغال:

بیکاری و نداشتن یک وظیفه‌ای که آدمی را به خود مشغول کند سبب آن خواهد شد که حوصله‌اش سر برود و آماده پرخاشگری شود.

▪ در صورتی که پرخاشگری ناشی از علل فیزیولوژیک باشد مراجعه به پزشک و دارو و درمان، بسیار لازم و ضروری است. بدیهی است در این شرایط صورت‌های مختلف درمان قابل اعمال خواهد بود.

به طور کلی باید برای افرادی که دارای این مشکل هستند بیشتر وقت گذاشت و با یک برنامه‌ریزی حساب شده راه‌حل‌های مناسبی را ارائه دهیم تا هم آن فرد پرخاشگر و هم اطرافیانش بتوانند به راحتی زندگی کنند و از کنار هم بودن لذت ببرند.

نقاط ضعف :

همکاری نکردن والدین دانش آموز

راه کار و نتیجه گیری (گزارش نهایی)

از بررسی ها ، راه حل ها و عملکرد آنها می توان نتیجه گرفت که :

فضای سالم و شاداب می تواند هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی برای دانش آموزان مفید باشد . مربی متخصص و با تجربه می تواند از نظر روحی و روانی و رفتاری به دانش آموزان کمک کند . ایجاد و توسعه ی کلاسهای ورزشی برای پر کردن اوقات تفراغت باعث شادابی و نشاط و کم کردن پرخاشگری می شود . اگر رابطه ی اولیاء با مدرسه بیشتر باشد دانش آموزان موفق تر هستند . اگر جلسه های شورای معلمان در رابطه با مشکلات درسی و روحی و روانی دانش آموزان باشد جامعه ی موفق تری خواهیم داشت

مطالعه ی کتاب های مختلف ، استفاده از اینترنت و کارهای انجام شده ی دیگران کمک مؤثری است .

ارتباط بین معلم و اولیاء در تمام کارها اثر بخش است .

رایگان و ارزان کردن ورود افراد به مکانهای ورزشی مانند استخرها و بازیهای گروهی مؤثر است .

تشویق در هر کاری اثر مثبت تدارد که حتماً آنها را باید در مقابل پیشرفت کار خوبشان تشویق کرد .

پیشنهادهای تخصصی به مسئولین آموزش و پرورش

الف : به مسئولین :

امکانات زیادی در اختیار آموزگاران و مدارس بگذارند .
آموزگاران موفق را تشویق کنند .
برنامه ای برای اینکه همه ی معلمان از آموزش های ضمن خدمت استفاده کنند داشته باشند .
به پیشنهادهای معلمان موفق و دلسوز احترام بگذارند .
در کنار تعلیم به پرورش جسم و روح دانش آموزان بپردازند .

ب : به آموزگاران

برای اجرای راه حل ها و بهتر کردن فضای آموزشی باید فرصت ها را غنیمت شمرد .
همیشه برای موفقیت خود باید از والدین دانش آموزان و بقیه ی همکاران همکاری گرفت .
برای موفقیت و به نتیجه رسیدن باید تشویق را مد نظر قرار داد .
برای برطرف کردن مشکلات بهتر است تحقیق و پژوهش کرد .
به دانش آموزان احترام گذاشت و با آنان صمیمی بود .
روشهای ارائه شده را هر سال در اختیار بقیه ی همکاران قرار داد .
اگر در کلاس با مشکلی برخورد کردند حتماً به مسئولین و همکاران در میان بگذارند چون به تنهایی به نتیجه ی خوبی نمی توان رسید .
از دانش آموزان به عنوان معلم ثانی و همیار معلم کمک بگیرند .
با اولیاء دانش آموزان ارتباط داشته باشند .

ج : به دانش آموزان

به گفته های دبیران احترام بگذارند
به سخن والدین توجه کنند .
در کلاس درس به هنگام ورزش ارامش خود را حفظ کنند .
ادب و اخلاق ورزشی را در همه ی زمینه ها رعایت کنند .
به گفته های مشاورین توجه کرده و از کتاب های آموزشی در کنار کتاب های درسی استفاده کنند .
اخلاق نیکو و آرامش و خوش خلقی را به دیگران نیز آموزش دهند .
از گوش کردن به فیلم های خشن و جنگی بپرهیزند .

د: به اولیاء

در برابر فرزندانشان با یکدیگر جدال و بحث نکنند .
با آرامش با فرزندان رفتار کنند .
آنها را به محیط های گردشگری ببرند .
به آینده ی فرزندان توجه خاصی داشته باشند .
برای حفظ سلامتی بچه ها با مدرسه در ارتباط باشند .
والدین با آشنایی به پیامدهای بی توجهی عاطفی به وظایف خود آگاه شوند .

منابع ومآخذ:

۱-میرزابیگی،علی،(۱۳۸۲)،نقش هنردرآموزش وپرورش وبهداشت روانی کودکان،تهران، انتشارات مدرسه،چاپ چهارم.
۲-هاجری،ضیاءالدین،(۱۳۷۲)،آنچه یک معلم بایدبداند،تهران،انتشارات راد،چاپ اول.
(کتاب مذکورترجمه می باشد ،امانام مؤلف درآن نوشته نشده است.)